۵۷

۲ دسامبر ۱۹۸۷ شهر باکو

ژاله خانم بسیار عزیز. گرمترین سلامهای من و خانم را به شما دختر خلف وطن و رفیق عزیزمان بدیع عرضه دارید. سلامتی و کامیابی برای آینده‌ی شما. نامه‌تان رسید باعث شادی فراوان گردید. موفقیت‌های شما در جبهه‌ی علم و ادب باعث افتخار همه‌ی ماست. اگر همه‌ی ما که متخصص بانک و خاک و مال مشغولیم شما را بفرستیم سرکار دارید این کاری است سخت و افتخاری.

در دو سال آخر یکده ۴۰ نفری از زنان و دختران مبارز ترک وطن کرده و در باکو اقامت گزیده‌اند. اینها دخترانی باسواد و پیشرو هستند و با تشبث خود یک مجله‌ی زنان چاپ می‌کنند. من در این مجله با آنها همکاری می‌کنم. ترجمه‌ی آنها را (از روسی به فارسی) تصحیح می‌نمایم. طبق خواهش آنها مقاله‌ای برای این مجله درباره‌ی پروین اعتصامی نوشتم که بعد از خلاصه چاپ شد. برای شما هم فرستادم. میخواهم شما را تصدیق کنم که حقیقتاً سفر و ادبیات فارسی را دوست دارم. درست است که پروین در درجه‌ی اول هنرمند و استاد بیان است ولی اشعارش نیز جالب می‌باشد. دختران شیردل شما سلام می‌رسانند. اشعار زنان را از بر دارند اگر چیز تازه‌ای در دبستان باشد برای ما بفرستید. دو مجله هم برای رفیق بدیع فرستادم. وقتی یک مقاله‌ام چاپ شد بعنوان یادگاری! البته مبتدا خودش را پیشنهاد زیرا از برکت غلام یحیی که ۴۷ سال مقاله بفارسی نوشتم. حالا داریم به افراد یاد میدهیم که زبان فارسی زبانی است بزرگ، شیرین و زنده.

در باکو خبری نیست همه‌ی ما گلدان و ناراحت از وضع میهن عزیزمان هستیم. میهنی که در یک مصیبت عظمی بسر میبرد. سلام گرم من و دوستان مشترک ما به رفیق عزیز بدیع برسانید. آرزوی سلامتی و سعادت برای شما می‌نمایم.

دست شما را می‌بوسم. مهرداد شکوری